

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام (بازخوانی و تبیین و تفسیر نامه ۲۵ نهج البلاغه)

محمد حنیف طاهری*

چکیده

نوشتار پیش رو کوشیده نامه ۲۵ نهج البلاغه را که در مقام تبیین اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت اسلامی است، به تحلیل و تفسیر بگیرد. این نامه‌ی امام علی (ع) متکفل شرح وظایف کارگزاران اقتصادی دولت اسلامی در مورد جمع‌آوری زکات است. سه موضوع مهم این مسئله، یعنی «اعتماد به مردم در گردآوری مالیات اسلامی»، «آداب گردآوری زکات و حقوق بیت‌المال» و «رعایت کامل حقوق حیواناتی که زکات به آنها تعلق گرفته» است، از مسائل محوری این دستورالعمل اقتصادی حاکم جامعه‌ی اسلامی است. مقاله حاضر که با روش تحلیلی-توصیفی سامان یافته است، هدفش تبیین مسئله‌ی اساسی اخذ زکات که یک نوع مالیات اسلامی و سنتی است، فرایند جمع‌آوری و توزیع این حق الهی بین مستحقین؛ و رعایت کامل حقوق حیوانات است؛ بنابراین، یافته‌های تحقیق چند مسئله را مورد تأکید قرار می‌دهد: یک) اعتماد به‌مثابه‌ی سرمایه اجتماعی؛ به این معنا که بین نظام اسلامی و شهروندان باید اعتماد متقابل حاکم باشد، مردم به حکومت و حکومت به مردم اعتماد داشته باشد. دو) کنشگران اقتصادی دولت اسلامی باید تقوای الهی را مراعات کنند و در حفظ حرمت،

* دکترای اندیشه‌ی معاصر مسلمین جامعه المصطفی العالمیه mhtaheri1973@gmail.com

شخصیت و کرامت اصحاب زکات نهایت تلاش را داشته باشند. سه) حمایت همه‌جانبه از حقوق حیوانات زکوی. چهار) امین بودن کارگزاران اقتصادی (مالیات گیرندگان) دولت و این مسئله که زکات جمع‌آوری شده در اسرع وقت و سالم، به دست حاکم شرع برسد تا طبق رهنمود قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) بین مستحقین تقسیم گردد.

کلیدواژه‌ها: زکات، مالیات اسلامی، نهج البلاغه، دولت اسلامی، مهرورزی با مردم، حقوق حیوانات.

مقدمه

در این مقاله به‌اجمال تلاش شده تا نامه ۲۵ نهج البلاغه که حاوی وصیت‌نامه امیرالمؤمنین (ع) در مورد عاملان زکات یا مأموران مالیات دولت اسلامی است، مورد بازخوانی و تحلیل قرار گیرد. در این سفارش‌نامه امام، مطالب مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی وجود دارد که شرح و بسط کامل آن فراتر از یک مقاله است و مجال واسع می‌طلبد. در این نوشتار، اما به برخی از نکات اخلاقی اقتصادی و سیاسی اجتماعی آن به‌اجمال اشاره شده است. این وصیت‌نامه شرح وظایف یا دستورالعمل کارگزاران اقتصادی یا مأموران جمع‌آوری زکات و مالیات اسلامی و نحوه‌ای محاسبه و تقسیم و توزیع اموال زکوی بین محرومان و نیازمندان جامعه اسلامی است. ترتیب منطقی مباحث مقاله را چنین فهرست کردیم: نخست متن وصیت‌نامه و ترجمه، سپس شرح واژگان مهم و کلیدی، تبیین مبانی الهیاتی و قرآنی زکات را به‌عنوان بخش اول مقاله مورد بحث قرار دادیم. در بخش دوم که تحلیل و تفسیر متن وصیت‌نامه است، اما مباحث مهم و اصلی مقاله در بخش دوم مورد توجه قرار گرفته که عبارت‌اند از: اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی دولت اسلامی، تبیین مفهوم زکات و نحوه‌ی محاسبه آن، رعایت کامل عدالت و انصاف در تقسیم اموال زکوی، حمایت از حقوق حیوانات و دخالت دولت در امور اقتصادی مردم که به‌اجمال مورد شرح و بسط قرار گرفته‌اند.

۱. متن وصیت‌نامه سیاسی - اقتصادی برای جمع‌آوری زکات (مالیات اسلامی)

و من وصیة له (ع) كان یكتبها لِمَنْ یستعمله علی الصدقات [قال الشریف: و إنما ذكرنا هنا جُملاً لیعلم بها أنه (علیه السلام) كان یقیم عماد الحق و یشرع أمثلة العدل، فی صغیر الأمور و کبیرها و دقیقها و جلیلها.] این نامه «وصیت» دستورالعمل امام به مأموران جمع‌آوری مالیات در سال ۳۶ هجری است. سید رضی می‌گوید: ما بخشی از این وصیت را آوردیم تا معلوم شود که امام (ع) ارکان حق را به پا می‌داشت و در کارهای کوچک یا بزرگ، با ارزش یا بی‌مقدار فرمان به عدل صادر می‌کرد:

«انطلق علی تقوی الله وحده لا شریک له، و لا تُروعن مسلماً و لا تجتازن علیه کارها و لا تأخذن منه أكثر من حق الله فی ماله؛ فإذا قدمت علی الحي فانزل بمانهم من غیر أن تحالط أبیاتهم، ثم امض إليهم بالسکينة و الوقار حتی تقوم بینهم فتسلم علیهم و لا تحدیج بالتحیة لهم. ثم تقول عباد الله أرسلني إليکم ولي الله و خليفته لأخذ منکم حق الله فی أموالکم، فهل لله فی أموالکم من حق فتؤدوه إلی وليه؟ فإن قال قائل لا، فلا تراجع، و إن أنعم لك منعم فانطلق معه من غیر أن تخيفه أو توعدة أو تعسفه أو تزهقه.

فخذ ما أعطاك من ذهب أو فضة، فإن كان له ماشية أو إبل فلا تدخلها إلا بإذنه فإن أكثرها له، فإذا أتيتها فلا تدخل علیها دخول متسلط علیه و لا عنيف به و لا تنفرن بهيمة و لا تفر عنها و لا تسوان صاحبها فيها، و اصدع المال صدعين ثم خیره فإذا اختار فلا تعرضن لِمَا اختاره، ثم اصدع الباقي صدعين ثم خیره فإذا اختار فلا تعرضن لِمَا اختاره، فلا تزال كذلك حتی یبقی ما فيه وفاء لِحَقِّ الله فی ماله فاقبض حق الله منه؛ فإن استقالك فأقله ثم اخلطهما ثم اصنع مثل الذي صنعت أولاً حتی تأخذ حق الله فی ماله؛ و لا تأخذن عوداً و لا هرمة و لا مكسورة و لا مهلوسة و لا ذات عوار.

وَلَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَثِقَ بِدِينِهِ رَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ، حَتَّى يُوصِّلَهُ إِلَىٰ وَلِيِّهِمْ فَيَقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ؛
وَلَا تُؤَكِّلْ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا شَفِيقًا وَأَمِينًا حَفِيزًا غَيْرَ مُعْنِفٍ وَلَا مُجْحِفٍ وَلَا مُلْغِبٍ وَلَا مُتْعِبٍ.
ثُمَّ اخْذُرْ إِلَيْنَا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ نُصَيْرُهُ حَيْثُ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ؛ فَإِذَا أَخَذَهَا أَمِينُكَ فَأَوْعِزْ إِلَيْهِ إِلَّا يَحُولَ
بَيْنَ نَاقَةٍ وَبَيْنَ فَصِيلِهَا وَلَا يَمْضُرُ لَبَنَهَا فَيَضُرَّ ذَلِكَ بَوْلِدَهَا وَلَا يَجْهَدَنَّهَا رُكُوبًا وَلَا يُعْدِلُ بَيْنَ
صَوَاحِبَاتِهَا فِي ذَلِكَ وَبَيْنَهَا، وَلِيُرْفَهُ عَلَى اللَّاعِبِ وَلِيَسْتَأْنَ بِالتَّقْبِ وَالطَّلَعِ وَلِيُورِدَهَا مَا تَمُرُّ بِهِ
مِنَ الْغُدْرِ وَلَا يُعْدِلُ بِهَا عَنْ نَبْتِ الْأَرْضِ إِلَى جَوَادِّ الطَّرْقِ وَلِيُرَوِّحَهَا فِي السَّاعَاتِ وَلِيُمَهِّلَهَا
عِنْدَ النَّطَافِ وَالْأَغْشَابِ، حَتَّى تَأْتِيَنَا بِإِذْنِ اللَّهِ بُدْنًا مُنْقِيَاتٍ غَيْرَ مُتْعَبَاتٍ وَلَا مَجْهُودَاتٍ لِنَقْسِمَهَا
عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله)، فَإِنَّ ذَلِكَ أَعْظَمُ لِأَجْرِكَ وَأَقْرَبُ لِرُشْدِكَ، إِنْ
شَاءَ اللَّهُ.»

با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن. در سر راه هیچ مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر و افزون تر از حقوق الهی از او مگیر. هر گاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو، سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن تا در میانشان قرار گیری، به آن‌ها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن. سپس می‌گویی: «ای بندگان خدا، مرا ولیّ خدا و جانشین او به‌سوی شما فرستاده تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل بگیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد: آری، همراهش برو، بدون آن‌که او را بترسانی، یا تهدید کنی، یا به کار مشکلی وادار سازی.

هر چه از طلا و نقره به تو رساند بردار و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه‌اش داخل مشو، که اکثر اموال از آن اوست. آنگاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه‌گر و سختگیر رفتار نکن، حیوانی را رم مده و هراسان مکن و دامدار را مرنجان، حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند، پس از انتخاب اعتراض نکن، سپس باقی مانده را به

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام ۱۱

دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند و بر انتخاب او خرده مگیر، به همین گونه رفتار کن تا باقی مانده، حق خداوند باشد. اگر دامدار از این تقسیم و انتخاب پشیمان است و از تو درخواست گزینش دوباره دارد، همراهی کن، پس حیوانات را درهم کن و به دو دسته تقسیم نما، همانند آغاز کار تا حق خدا را از آن برگیری و در تحویل گرفتن حیوانات، حیوان پیر و دست‌وپاشکسته، بیمار و معیوب را به‌عنوان زکات نپذیر و به فردی که اطمینان نداری و نسبت به اموال مسلمین دلسوز نیست، مسپار تا آن را به پیشوای مسلمین برساند و او در میان آن‌ها تقسیم گرداند.

در رساندن حیوانات آن را به دست چوپانی که خیرخواه و مهربان، امین و حافظ، که نه سختگیر باشد و نه ستمکار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، بسپار. سپس آنچه از بیت‌المال جمع‌آوری شد برای ما بفرست تا در نیازهایی که خدا اجازه فرموده مصرف کنیم. هرگاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا: «بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را (کامل) ندوشد تا به بچه اش زبانی وارد نشود. در سوارشدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آن‌ها را در سر راه به درون آب ببرد و از جاده‌هایی که دو طرف آن علفزار است به جاده بی‌علف نکشانند و هر چندگاه شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هرگاه به آب و علفزار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند». تا آنگاه که به اذن خدا بر ما وارد شوند، فربه و سر حال، نه خسته و کوفته، که آن‌ها را بر اساس رهنمود قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تقسیم نماییم. عمل به دستورات یاد شده مایه بزرگی پاداش و نیز هدایت تو خواهد شد ان شاء الله. (نهج البلاغه، نامه ۲۵؛ ص ۵۰۴-۵۰۷). هم‌چنین، برای توضیح و شرح بیشتر واژگان دشوار نامه‌ی امام، (بنگرید به صالح، ۱۳۷۰، نامه ۲۵).

۲. مبنای الهیاتی / قرآنی زکات: زکات حق مسلم نیازمندان در اموال

ثروتمندان

اهمیت زکات در قرآن کریم آن چنان است که در اکثر موارد زکاة با صلاة، یعنی نماز پیوند خورده و در کنار آن قرار گرفته است. قرآن کریم در آیات متعدد دستور به اقامه‌ی توأمان نماز و زکات داشته و پرداخت زکات را در کنار برپایی نماز مطرح کرده که بیانگر اهمیت این حکم است. به عنوان نمونه این آیات (بقره، ۴۳، ۸۳، ۱۷۷، ۲۷۷، ۱۱۰، نساء، ۷۷، ۱۶۲، مائده، ۵۵، ۱۲، توبه، ۱۸، ۵ و...) از جمله آیاتی است که موضوع اقامه صلوات و زکات را مورد بحث قرار داده‌اند. قرآن مجید به عنوان پایه‌گذار این مطلب به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که از اموال آن‌ها زکات بگیر، زکاتی که آن‌ها را پاک و پاکیزه می‌کند و سپس دستور می‌دهد که بعد از گرفتن زکات به آن‌ها درود بفرست و برای آن‌ها دعا کن که مایه‌ی آرامش آن‌هاست؛ «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها وصلّ علیهم ان صلوتک سکن لهم» (توبه، آیه ۱۰۴). در آیه دیگر به این مسئله می‌پردازد که زکات حق مسلم محرومان و نیازمندان جامعه است، حقی که در اموال ثروتمندان قرار داده شده است: «وَفِي اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» و در اموال آن‌ها حقی برای سائل و محروم بود (ذاریات؛ ۱۹).

آیه ۶۰ سوره توبه مصارف زکات را چنین بیان می‌کند: فقیر (نیازمند)، مسکین (کسی که در نهایت نیازمندی است)، عاملین (مأمورین جمع‌آوری زکات)، مؤلفه القلوب (افراد ضعیف الایمانی که با گرفتن زکات تقویت می‌شوند و تمایل به اسلام پیدا می‌کنند)، آزادسازی بردگان، مقروضان، در راه خدا «سبیل الله» یعنی کارهایی مانند ساختن مسجد که منفعت دینی عمومی دارد و هر آنچه که برای اسلام نفع داشته باشد به هر نحو که باشد، مخصوصاً جهاد در راه خدا، در راه ماندگان «ابن السبیل».

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام ۱۳

حضرت امیر(ع) نیز این مسئله را که نیازمندان در اموال ثروتمندان و بیت‌المال صاحبان حق و شریک‌اند، مورد تأکید قرار داده است: **إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ.** (حکمت ۳۲۸، ص ۴۲۰) خدای متعال روزی درویشان را در اموال توانگران واجب داشته؛ پس درویشی گرسنه نماند جز اینکه توانگری از حق او، خود را به نوایی رساند و کردگار، توانگران را بازخواست کند از این کار. (بنگرید به: رشاد، جلد هفتم، ۱۳۸۲؛ ص ۹۱-۹۳)

گویا این بیان حضرت دین ثروتمندان نسبت به تهیدستان جامعه را مورد توجه قرار داده است. چه آنکه، امام(ع) به یکی از اصول مهم اسلام در این کلام نورانی اشاره کرده و بیان می‌کند که نظام اقتصادی اسلام نظامی بسیار حساب شده است به گونه‌ای که اگر مطابق آن رفتار شود در سراسر جهان اسلام فقیر و نیازمندی باقی نخواهد ماند. بعضی از شارحان نهج البلاغه این کلام شریف را به مسئله زکات اشاره دانسته‌اند و تعبیر به «فرض» نیز می‌تواند اشاره به همین معنا باشد. روایات فراوانی نیز این معنا را تأیید می‌کند و در آن‌ها تصریح شده که آنچه به عنوان زکات در اسلام فرض شده دقیقاً به اندازه نیاز فقراست، به گونه‌ای که اگر همه اغنیا به وظیفه دینی خود در باب ایتای زکات عمل کنند فقیری باقی نخواهد ماند.

۳. تحلیل و تفسیر متن وصیت‌نامه

۳-۱. اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی دولت اسلامی

اعتماد به مردم در گردآوری مالیات اسلامی

حضرت در همان آغاز نامه مسئله تقوا و احساس مسئولیت عاملان زکات را مورد تأکید قرار داده می‌فرماید: «با تقوا و احساس مسئولیت در برابر خداوند یکتا و بی‌همتا حرکت کن و در مسیر خود هیچ مسلمانی را نترسان و از سرزمین او در حالیکه از تو ناخشنود باشد، نگذر و

بیش از حق خداوند در اموالش را از وی نگیر». از نکات بسیار مهم این وصیت‌نامه، اجتناب عاملان جمع‌آوری زکات از ورود به منازل مسلمانان به‌گونه‌ای که موجبات ناراحتی و ناخوشایندی آن‌ها را فراهم کند، است. امام در جمله «ولا تجتازن علیه کارها» به این موضوع مهم اشاره نموده است. ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح این جمله می‌گوید: یعنی وارد خانه‌ای احدی از مسلمین نشوید که از ورود شما کراهت دارد و آن را نمی‌پسندد (ابن ابی‌الحدید معتزلی، جلد ۸؛ ۱۴۳۰-۲۰۰۹ م، ص ۱۰۴). چرا کارگزاران اقتصادی دولت اسلامی به هنگام اخذ زکات به منازل مردم وارد نشوند؟ مطابق تفسیر ابن ابی‌الحدید، دلیل این امر این است که مأموران دولتی غریبه‌اند و از آن‌ها انتظار می‌رود حریم خانواده‌ها و اهلیت مسلمانان و زکات‌دهندگان را مراعات کنند و لذا ناپسند است که غریبه به خانه‌های آن‌ها وارد شود. چه‌آنکه اولاً، شاید زنان و اهل خانه دوست نداشته باشند که غریبه و ناآشنا آن‌ها را ببیند و صدای‌شان را بشنود. ثانیاً، برخی از قبایل و طوایف اساساً دوست ندارند که غریبه‌ها و بیگانه‌ها از احوالات و خصوصیات شخصی و اندرونی زندگی آن‌ها مثل خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها و پوشاک‌شان اطلاع یابند. گاهی خانواده‌ها فقیراند و دوست ندارند کسی از فقر و ناداری آن‌ها با خبر شود، یا برخی ثروتمندند و دوست ندارند کسانی از ثروت و دارایی آن‌ها اطلاع پیدا کند و چه بسا موجب حسادت بر آن‌ها شود و کینه‌ی آن‌ها را در پی داشته باشد. همچنین، مالیات‌گیرندگان دولت اسلامی باید هنگام ورود بر اصحاب زکات و مردم، از سلام و تحیت کامل غفلت نکنند و به نیکوترین وجه با مردم برخورد نمایند (ابن ابی‌الحدید، همان، ص ۱۰۵).

۲-۳. مفهوم و نحوه‌ای محاسبه‌ی زکات

اصل واژه «زکات» به معنای رشد و نمو است که از برکت الهی در چیزهای دنیوی و اخروی حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق؛ ص ۳۸۰). مفهوم «زکات» به سهم الهی که انسان مؤمن از مال خود خارج می‌کند و به فقرا می‌دهد، اطلاق می‌شود. به این دلیل است

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام ۱۵

که در پرداخت آن، امید رشد و افزایش مال همراه با خیرات و برکات دارد، یا موجب تزکیه و پاکی روح پرداخت‌کننده می‌شود و یا از هر دو جنبه است؛ زیرا هر دو فایده در پرداخت زکات وجود دارد (راغب اصفهانی، همان، ص ۳۸۱). (براین اساس، «زکات» در لغت، به دو معنا آمده است: یکی رشد و نمو؛ و دیگری پاکی) ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۴، ص ۳۵۸).

در نهج البلاغه سفارشنامه‌ای (وصیت‌نامه) را ملاحظه و مشاهده می‌کنیم که عنوان آن «المن يستعمله علی الصدقات» است؛ یعنی برای کسانی است که مأموریت جمع‌آوری زکات را بر عهده داشته‌اند. عنوان چنین حکایت می‌کند که اختصاصی نیست و صورت عمومی داشته است، خواه به صورت نوشته‌ای بوده است که در اختیار آن‌ها گذاشته می‌شده است و خواه سفارش لفظی بوده که همواره تکرار می‌شده است (مطهری، ۱۳۸۱: جلد ۱۶؛ ص ۴۵۳)؛ بنابراین پس از سفارش‌های مهم در مورد آداب معاشرت با مسلمانان و رعایت کامل ادب و احترام مردم، به چگونگی و نحوه‌ای گرفتن زکات از مردم پرداخته می‌فرماید: اگر «زکات، زکات طلا و نقره درهم و دینار و یا قیمت زکات غلات بود، هر چه می‌دهد بپذیر و با زکات دهنده گفتگو درباره کم‌وزیاد آن نکن، او به تو اعتماد کرده تو هم به او اعتماد کن»؛ (فَخُذْ مَا أُعْطَاكَ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ). «و اگر گوسفند و گاو و شتری دارد بدون اذن او داخل نشو، زیرا بیشتر آن‌ها از آن اوست»؛ (فَإِنْ كَانَ لَهُ مَاشِيَةٌ أَوْ إِبِلٌ فَلَا تَدْخُلْهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ أَكْثَرَهَا لَهُ). در ادامه می‌افزاید: «آن گاه که داخل شدی همچون شخص مسلط و سخت‌گیر نسبت به او رفتار نکن، چهارپایی را فرار نده و ناراحت نساز و صاحبش را درباره آن ناراحت نکن»؛ (فَإِذَا أَتَيْتَهَا فَلَا تَدْخُلْ عَلَيْهَا دُخُولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيْهِ وَلَا عَنِيفٍ بِهِ، وَلَا تُنْفِرَنَّ بَهِيمَةً وَلَا تُفْرِزَنَّ عَنْهَا، وَلَا تَسْوَأَنَّ صَاحِبَهَا فِيهَا).

منظور از این جمله آن است که احترام مالکان اموال و مواشی را در مورد اموال‌شان حفظ کن، سرزده وارد آغل گوسفندان یا شتران نشو و به صورت افراد طلبکار و زورگو چیزی را مطالبه نکن حتی نسبت به چهارپایان نیز مدارا نما؛ حرکت یا صدایی که باعث وحشت آن‌ها شود

انجام مده، چرا که هم این حیوانات و هم صاحب آن‌ها ممکن است ناراحت شوند. جمله «فلا تدخلها دخول متسلط علیه» جمله‌ی بسیار مهم و قابل توجه است و آن اینکه حضرت می‌داند که از طبیعت حاکمان و دولتمردان، ظلم و زورگویی است، بویژه کسانی که متولی اخذ مالیات، یعنی گرفتن گوسفندان و حیوانات از صاحبانش به شکل صدقه است. گرفتن مال به نحوی صدقه گاهی موجب می‌شود که گیرندگان آن به شکل حاکم قاهر و طلبکار وارد شوند و برای صاحب مال اذن تصرف و مجال حرف زدن را ندهند. (ابن ابی‌الحدید، همان، ۱۰۵) و لذا حضرت به مأموران اقتصادی‌اش سفارش می‌کند که از این نوع برخوردها اجتناب نمایند و این، نهایت محبت و مهرورزی است که امام (ع) کارگزارانش را به آن توصیه می‌کند که از رعایت کردن حقوق حیوانات هم به هنگام جمع‌آوری زکات غفلت نشود، چه رسد به رعایت حقوق و احترام انسان‌ها.

۳-۳. رعایت انصاف و عدالت در تقسیم اموال زکوی

در اینجا برای اینکه تقسیم عادلانه باشد و در انتخاب زکات گوسفند یا شتر نگرانی برای صاحبان اموال پیدا نشود و در انتخاب، اجحاف و ظلمی بر مالک و بیت‌المال حاصل نگردد، دستور به قرعه‌کشی می‌دهد و هنگام قرعه‌کشی انتخاب را به صاحب مال وا می‌گذارد و می‌فرماید: «به هنگام گرفتن حق بیت‌المال حیوانات را به دو بخش تقسیم کن سپس صاحب مال را مخیر کن که یک قسمت را برگزیند و بعد از انتخاب، متعرض آنچه او انتخاب کرده نشو. سپس باقیمانده را نیز به دو بخش تقسیم کن و باز او را مخیر نما تا یکی را انتخاب کند و هرگاه یکی را برگزید، در این انتخاب نیز متعرض آنچه برگزیده نشو و همچنان این تقسیم را ادامه می‌دهی و صاحب مال را مخیر می‌سازی تا یکی را انتخاب کرده و کنار بگذارد؛ تا آنجا که باقیمانده به اندازه (زکات و) حق خداوند در مال او باشد آن گاه حق خدا را از او بگیر»؛ (وَاصْدَعِ الْمَالَ صَدْعَيْنِ ثُمَّ خَيْرَهُ، فَإِذَا اخْتَارَ فَلَا تَعْرِضَنَّ لِمَا اخْتَارَهُ. ثُمَّ اصْدَعِ الْبَاقِيَ صَدْعَيْنِ، ثُمَّ خَيْرَهُ،

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام ۱۷

فَإِذَا اخْتَارَ فَلَا تَعْرِضَنَّ لِمَا اخْتَارَهُ. فَلَا تَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّىٰ يَبْقَىٰ مَا فِيهِ وَفَاءٌ لِحَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ؛ فَأَقْبِضْ حَقَّ اللَّهِ مِنْهُ). سپس امام(ع) می‌افزاید: «و اگر صاحب مال پشیمان شد و از تو تقاضا کرد که تقسیم را تجدید کنی، تقاضای او را بپذیر و آن دو دسته را با هم بار دیگر مخلوط کن سپس همان‌گونه که در بار اول انجام دادی، تقسیم را تکرار کن تا حق خدا را از مال او دریافت داری»؛ (فَإِنِ اسْتَفَالَكَ فَأَقْلُهُ، ثُمَّ اخْلِطْهُمَا ثُمَّ اصْنَعْ مِثْلَ الَّذِي صَنَعْتَ أَوَّلًا حَتَّىٰ تَأْخُذَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ)؛ بنابراین، منظور از «حق الله» که مأموران اقتصادی دولت اسلامی از آن سوال می‌کنند، زکات است. (بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷؛ جلد ۹، ص ۳۱۳-۳۱۵).

در اینجا دو نکته‌ای حائز اهمیت وجود دارد: نخست اینکه مفهوم جمله‌های بالا این نیست که به هنگام تقسیم کردن خوب‌ها را در یک بخش قرار بدهند و متوسط‌ها را در بخش دیگر آن گاه مالک را مخیر سازند که یکی از آن دو بخش را انتخاب کند، زیرا اولاً معمولاً گوسفندان یا شتران در شرایط عادی مخلوط هستند و به هنگام تقسیم، طبعاً بخشی از خوب در یک طرف و بخشی در طرف دیگر قرار می‌گیرد. ثانیاً این کار یک نوع قرعه‌کشی است و در مفهوم قرعه‌کشی این جمله نهفته است که باید تقسیمی نسبتاً عادلانه صورت گیرد و بعد یکی از دو بخش را به‌وسیله قرعه یا انتخاب شخصی جدا کنند. نکته دیگر اینکه می‌دانیم که در زکات شتر، سن و سال آن‌ها در مقدار زکات تأثیر دارد و مثل زکات گوسفند نیست، بنابراین یا باید مسئله سن و سال در این تقسیم کردن رعایت گردد؛ و یا بگوییم که این نوع تقسیم ناظر به مسئله زکات گوسفند و گاو است نه شتر.

بدین ترتیب از مجموع این کلام، این مطلب استفاده می‌شود که در پرداخت زکات هم می‌توان قیمت را محاسبه کرد. به قرینه تعبیر به ذهب و فضه که در آغاز این کلام آمد؛ زیرا سخن تنها از زکات درهم و دینار نیست، بلکه منظور مطلق زکات است و هم می‌توان از عین مالی که زکات به آن تعلق گرفته است پرداخت نمود. این نکته قابل توجه است که در روایات

اسلامی و کلمات فقها حیوانات ممتاز، مانند گوسفند پرواری و شترهای پرارزش و حیوان باردار و حیوانات نر که برای بارور ساختن حیوانات ماده از آنها استفاده می‌شود، استثنا شده‌اند؛ یعنی مأمور جمع‌آوری زکات برای جلب محبت صاحبان این اموال، نخبه‌ها را به خودشان واگذار می‌کند تا زکات مالشان را با طیب خاطر پردازند.

در ادامه امام(ع) دستور می‌دهد که پنج نوع از حیواناتی که به نحوی ناقص و کم‌ارزش هستند به‌عنوان زکات انتخاب نشود. حضرت می‌فرماید: «هرگز حیوان مسن و فرتوت و دست‌وپاشکسته و بیمار و معیوب را به‌عنوان زکات نپذیر»؛ «وَلَا تَأْخُذَنَّ عَوْدًا وَلَا هَرِمَةً وَلَا مَكْسُورَةً وَلَا مَهْلُوسَةً، وَلَا ذَاتَ عَوَارٍ». با توجه به اینکه «عَوْد» و «هَرِم» هر دو به معنای حیوان پیر است، به نظر می‌رسد که «عود» حیوانی است که سنی از آن گذشته و «هرم» به معنای پیر و فرتوت است، یعنی چیزی فراتر از حیوان مسن. «مهلوسه» گاه به معنای حیوان بیمار مسلول و گاه به معنای هرگونه حیوان بیمار تفسیر شده است و مناسب معنای دوم است و حیوان «ذات عوار» به معنای حیوانی است که عیب و نقصی دارد؛ مثلاً فاقد چشم یا گوش یا مانند آن است. شایان‌ذکر است که فقها گفته‌اند، منظور از این دستور آن است که اگر تمام نصاب سالم بوده باشد نمی‌تواند حیوان ناسالمی را از جایی دیگر بیاورد و به‌عنوان زکات پردازد؛ ولی اگر تمام نصاب حیوان بیمار و معیوب است، مانعی ندارد زکات را از همان پردازد و نیز اگر قسمتی معیوب و قسمتی سالم است، زکات به نسبت از سالم و معیوب گرفته می‌شود و این نشانه رعایت عدالت اسلامی در مسائل مربوط به بحث زکات است.

گفتنی است که اسلام از یک‌سو دستور می‌دهد حیوانات معیوب، پیر و فرتوت و بیمار را به‌عنوان زکات نپذیرد، زیرا ارزش زکات را به‌عنوان یک عبادت و مالیات اسلامی که سهم تهیدستان با کرامت جامعه اسلامی است را پایین می‌آورد؛ چه آنکه به‌مقتضای آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»، هرگز به حقیقت نیکوکاری و قرب الی الله نمی‌رسید مگر اینکه

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام ۱۹

از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید». از سویی دیگر دستور می‌دهد اموال نخبه و گران‌قیمت را در اختیار صاحب‌مال بگذارید و به‌عنوان زکات نگیرید، زیرا بسیاری از مردم از این کار ناراحت می‌شوند و به مصداق «(إِنْ يَسْأَلُكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَبُخْلًا أَمْضَاكُمْ)؛ نمی‌پسندند که مال گران‌قیمت‌شان را ببرند؛ چرا که هرگاه اموال شما را طلب کند و بر آن تأکید نماید، بخل می‌ورزید و کینه و خشم شما را آشکار می‌سازد»؛ و بدین ترتیب، اسلام تعادل را در مسئله‌ی ادای زکات کاملاً رعایت کرده است. (مکارم شیرازی، همان: ص ۳۱۵-۳۱۶)

بنابراینچه گفتیم، کارگزاران اقتصادی دولت اسلامی نمی‌توانند حیوانات پیر، معیوب و بیمار را به‌عنوان زکات بگیرند؛ چه آنکه، زکات حق‌الله و سهم بندگان تهیدست و آبرومند خداست و اهدای حیوانات پیر و معیوب با شأن‌الوہی خدای سبحان و کرامت انسانی بندگان خدا به‌عنوان گیرندگان زکات منافات دارد و شخصیت و کرامت انسانی آن‌ها را به چالش می‌گیرد. از طرفی، مأموران اقتصادی حکومت حق ندارند با انتخاب خود حیوانات زکوی را گزینش نموده و آن‌ها را برای امر زکات گلچین نمایند تا حیوانات ارزان‌قیمت، پیر و لاغر برای صاحب‌مال بماند و او را از زکات دادن مال پشیمان نماید. خلاصه آنکه، در بخشنامه‌های امام علی (ع) حساسیت عجیبی نسبت به اخذ زکات، عدالت و مهربانی با مردم و محترم شمردن شخصیت و حقوق مردم مشاهده می‌شود که به‌راستی عجیب و نمونه است.

۳-۴. رعایت و حمایت همه‌جانبه از حقوق حیوانات در دولت اسلامی

در بخش گذشته، امام (ع) دستورات لازم را درباره چگونگی اخذ زکات از کسانی که زکات بر آن‌ها واجب است را بیان فرمود. در این بخش از نامه، سخن درباره چگونگی حفظ این اموال و طرز رفتار با حیواناتی است که به‌عنوان زکات پرداخت شده‌اند. نخست امام (ع) صفات کسانی را که مأمور انتقال زکات به‌سوی بیت‌المال می‌شوند را بیان می‌کند و چندین ویژگی برای آن‌ها برمی‌شمرد. در نخستین و دومین صفت می‌فرماید: «آن‌ها را به‌غیراز کسی که به دینش

اطمینان داری و نسبت به اموال مسلمین دلسوز است، مسپار تا آن را (سالم) به ولی امر مسلمین برساند و او در میان مسلمانان تقسیم کند»؛ (وَلَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَثِقُ بِدِينِهِ، رَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يُوصِّلَهُ إِلَىٰ وَلِيِّهِمْ فَيَقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ).

بنابراین مهمترین شرط، در این گونه مسائل (مسائل مالی) امانت و وثاقت و شرط دوم رفق، مدارا و دلسوزی است و اگر این دو شرط در متصدیان بیت المال و خزانه داران کشور اسلامی رعایت شود به یقین مشکلی در امور مالی پیدا نخواهد شد؛ نه خیانتی رخ می دهد و نه حیف و میل و افراط و تفریطی صورت می گیرد. سپس در ادامه این سخن، هشت وصف دیگر برای مأموران انتقال این اموال و چوپان ها بیان کرده و می فرماید: «تنها کسانی را مأمور این کار کن که خیر خواه و مهربان و امین و حافظ باشند، سخت گیر و اجحاف گر نباشند، حیوانات را خسته نکنند و به زحمت نیندازند»؛ (وَلَا تُؤْكَلْ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا شَفِيقًا وَأَمِينًا حَفِيزًا، غَيْرَ مُعْنِفٍ وَلَا مُجْحِفٍ، وَلَا مُلْغِبٍ وَلَا مُتْعَبٍ).

به یقین این اوصاف هشت گانه ارتباط نزدیک با یکدیگر دارند؛ چوپانی که ناصح و شفیق است قطعاً حیوانات را خسته نمی کند و تند نمی راند، زیرا هم حیوانات به زحمت می افتند که برخلاف عدل اسلامی است و هم وزن آن ها کم می شود و یا بیمار می گردند که به زیان مصرف کنندگان است. قابل توجه اینکه این دستورات را امام (ع) هنگامی بیان فرمود که نه از حقوق حیوانات سخنی در میان دانشمندان جهان مطرح بود و نه از حقوق بشر؛ ولی اسلام به عنوان آئینی مملو از برنامه های اخلاقی، حرمت حیوانات و حقوق آن ها را نیز فراموش نکرده و مشمول محبت و رأفت اسلامی قرار داده است.

آن گاه در دستور دیگری ارسال فوری اموال (زکات) گرفته شده برای ولی امر مسلمین را مورد توجه قرار داده می فرماید: «سپس آنچه نزد تو جمع شده را فوراً به سوی ما روانه کن تا آن را در مصارفی که خداوند امر فرموده صرف کنیم»؛ (ثُمَّ احْدُرْ إِلَيْنَا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ نُصَيِّرُهُ حَيْثُ

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام ۲۱

أَمَرَ اللَّهُ بِهِ). این دستور به دو دلیل داده شده است: نخست اینکه ممکن است نیازمندانی به صورت فوق العاده در انتظار کمک‌های بیت‌المال باشند که اگر حق آن‌ها زودتر برسد، مشکلات‌شان حل خواهد شد و دیگر اینکه تأخیر در رساندن این اموال، در معرض آفات است و برای نجات از آن آفات باید تعجیل کرد و اموال زکات را در زودترین زمان به ولی امر مسلمین رسانید. بعضی از شارحان نهج البلاغه از این جمله، احکام فقهی متعددی استفاده کرده‌اند: نخست اینکه نقل زکات از شهری به شهر دیگر جایز است و دیگر اینکه مأموران جمع‌آوری زکات حق ندارند خودسرانه آن‌ها را تقسیم کنند و سوم اینکه زکات باید به دست ولی امر مسلمین برسد و زیر نظر او تقسیم گردد.

البتة بدیهی است این دستور مربوط به مناطق نزدیک به مرکز حکومت امام(ع) است و اما مناطق دوردست که انتقال مال زکات به غیر صورت نقدی عملاً امکان‌پذیر نیست حکم دیگری دارد؛ یعنی نمایندگان امام(ع) می‌توانند آن را در مرکز نمایندگی خود جمع‌آوری و تقسیم کنند. در ادامه امام(ع) درباره کیفیت نقل حیوانات زگوری به نماینده خود دستورات ده‌گانه دقیق و ظریفی می‌دهد و می‌فرماید: «هنگامی که امین تو آن‌ها را در اختیار گرفت به او سفارش کن که میان شتر ماده و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را چنان ندوشد که به بچه‌اش زیان وارد شود و در سوارشدن برشتران، آن‌ها را به زحمت نیفکند و عدالت را در این امر در میان آن‌ها رعایت کند (گاه بر این سوار شود و گاه بر دیگری) و نیز حال شتر خسته و یا زخمی را که سواری دادن برایش مشکل است رعایت کند و با حیوانی که سُم او ساییده یا لنگ شده مدارا نماید»؛ (فَإِذَا أَخَذَهَا أَمِينُكَ فَأَوْعِزْ إِلَيْهِ أَلَّا يَحُولَ بَيْنَ نَاقَةِ وَبَيْنَ فَصِيلِهَا، وَلَا يَمْصُرَ لَبَنَهَا فَيَضُرَّ ذَلِكَ بَوْلِدَهَا؛ وَلَا يَجْهَدَنَّهَا زُكُوبًا، وَلَا يُعْدِلُ بَيْنَ صَوَاحِبَاتِهَا فِي ذَلِكَ وَبَيْنَهَا، وَلْيُرْفَهُ عَلَى اللَّأْغِبِ، وَلْيُسْتَأْنِ بِالنَّقَبِ وَالظَّلَاعِ). (مکارم شیرازی، همان: ص ۳۲۰)

آنچه در بالا آمد شش قسمت از دستوراتی است که امام(ع) برای مراعات حال حیوانات زکوی بیان فرموده که هم جنبه انسانی و اخلاقی دارد و نشان می‌دهد که اسلام حتی مراعات حال حیوانات را نیز لازم می‌شمرد؛ حیواناتی که زبان برای گفتن ندارند و قادر بر دفاع از خویشان نیستند. امام(ع) در ادامه این سخن چند دستور دیگر می‌دهد و می‌فرماید: «امین تو باید هنگامی که دراثنای راه به غدیرهای آب می‌رسد، آن‌ها را سیراب کند و از کناره‌های جاده علف دار به درون جاده‌های خشک و بی‌گناه آن‌ها را منحرف نسازد و ساعاتی به آن حیوانات استراحت دهد و چون به آب و علفزار می‌رسد به آن‌ها مهلت دهد (تا به اندازه کافی آب بنوشند و از علف‌ها تغذیه کنند) تا هنگامی که نزد ما می‌آیند به اذن خدا فربه و سرحال باشند نه خسته و کوفته»؛ (وَلْيُورِدْهَا مَا تَمَرُّ بِهِ مِنَ الْعُدْرِ، وَلَا يَعْدِلْ بِهَا عَنْ نَبْتِ الْأَرْضِ إِلَى جَوَادِّ الطَّرِيقِ، وَيُرْوِحَهَا فِي السَّاعَاتِ وَلِيْمْهَلْهَا عِنْدَ النَّطَافِ وَالْأَعْشَابِ، حَتَّى تَأْتِيَنَا بِإِذْنِ اللَّهِ بُدْنًا مُنْقِيَاتٍ، غَيْرَ مُتْعَبَاتٍ وَلَا مَجْهُودَاتٍ).

در این چهار دستور اخیر امام(ع)، بیشتر به آب و علف این حیوانات نظر دارد. هدف آن است که این‌ها تشنگی نکشند، گرسنه نشوند، در مسیر راه به اندازه کافی آب بنوشند و در کنار جاده‌ها که غالباً علف وجود دارد، از آن استفاده کنند. این دستورات افزون بر اینکه جنبه اخلاقی و انسانی دارد، به نفع بیت‌المال و نیازمندی است که از حقوق بیت‌المال بهره می‌گیرند؛ لذا در آخر این عبارات فرمود: باید چنان کنند که این حیوانات سالم و سرحال و چاق و فربه به نزد ما آیند. (مکارم شیرازی، همان: ص ۳۲۰-۳۲۵).

در پایان این نامه، به هدف نهایی اشاره کرده و می‌فرماید: «هدف این است که آن‌ها را مطابق دستور خداوند و سنت پیغمبرش (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در میان نیازمندان تقسیم کنیم بی‌آنکه منافع شخصی در آن وجود داشته باشد»؛ (لِنُقَسِمَهَا عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ (صلی‌الله

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام ۲۳

علیه و آله). آن گاه اضافه می‌کند: «عمل به این برنامه پاداش تو را بیشتر و هدایت تو را افزون‌تر خواهد کرد؛ *إِنْ شَاءَ اللَّهُ*»؛ *(فَإِنَّ ذَلِكَ أَعْظَمُ لَأَجْرِكَ، وَأَقْرَبُ لِرُشْدِكَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ)*.

۳-۵. آزادی مشروط اقتصادی و دخالت دولت در امور اقتصادی جامعه‌ی اسلامی

(آزادی اقتصادی و دخالت دولت در شئون اقتصادی جامعه، مگمل یکدیگرند)

دخالت دولت در امور اقتصادی مزایا و معایبی دارد. هم‌چنانکه آزادی فردی دارای مزایا و معایبی است. نکته مهم این است که نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم، ابتدا تنها به مزایای آزادی مطلق اقتصادی توجه کرده و پس از مواجهه با مشکل و پیدایش بحران‌های بزرگ، تغییر عقیده داده و دخالت دولت را نیز پذیرفته و در برخی مواقع لازم شمرده است. هم‌چنانکه مالکیت دولت را پذیرفته است. بالعکس اما در نظام اقتصادی سوسیالیسم فقط به معایب آزادی مطلق اقتصادی و منافع دخالت دولت توجه صورت گرفته؛ مالکیت دولت را پذیرفته و مالکیت خصوصی و آزادی فردی را به کلی ملغی و موجب تمام مفاسد دانسته و پس از مواجهه با مشکل، تغییر روش داده است؛ اما مکتب اسلام از ابتدا آزادی اقتصادی مشروط و مالکیت خصوصی را با قیود مربوطه پذیرفته و در همان زمان دخالت مشروط دولت را نیز پذیرا بوده و این دو را در کنار هم و مکمل یکدیگر دانسته است. ده‌ها آیه در قرآن کریم حاکی از پذیرش مالکیت خصوصی و آزادی مشروط اقتصادی است، کما اینکه چندین آیه بر مالکیت دولت و جواز دخالت او در امور اقتصادی دلالت دارد.

حال باید ببینیم که از متن نامه یا وصیت (سفارش‌نامه) حضرت امیر(ع) به آزادی اقتصادی می‌رسیم یا محدودیت و دخالت دولت در امور اقتصادی. از نامه ۲۵ نهج‌البلاغه به‌وضوح مسائل زیر به دست می‌آید: ۱- دخالت دولت در امور اقتصادی، ۲- وظیفه بودن برخی دخالت‌ها، ۳- شیوه دخالت در امور اقتصادی، ۴- قلمرو دخالت دولت در امور اقتصادی. حضرت می‌فرماید: برو با تقوی باش و مسلمانی را مترسان و بدون رضایت او بر وی وارد مشو

و بیشتر از حقی که خداوند در دارائی او قرار داده از او مگیر، زمانی که به قبیله‌ای رسیدی بر سر آب آنان فرود آی، نه اینکه به خانه‌هایشان بروی، وقتی وارد شدی به آنان سلام کن، به آنان کم احترامی و بی‌اعتنائی مکن، سپس می‌گویی: بندگان خدا، مرا ولی خدا و خلیفه او فرستاده تا حق‌الله را از اموالتان بگیرم. آیا حق‌الله در اموال شما وجود دارد که بایستی به ولی امر پرداخت نمائید، اگر کسی گفت در بین اموال من نیست به او مراجعه مکن و اگر گفت (در مال من) هست، همراه او برو بدون اینکه او را بترسانی و یا اسباب زحمت او شوی، آنچه از طلا به تو می‌دهند بگیر و اگر گاو و گوسفند و شتر داشته باشد، بی‌اجازه او بین آن‌ها مرو، زیرا اکثر آن‌ها مال او هستند. چهارپایی را نرانی و صاحب آن را مرنجانی. سپس حق خدا را دریافت کن و اگر بر هم زدن تقسیم را تقاضا کرد، تو همان کار را بکن، شتر پیر از کار افتاده و شکسته و معیوب را مگیر. (رجایی، شماره، ۱۴؛ ۹).

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی این نبشته به این جمع‌بندی رسیدیم که زکات به مثابه‌ی یک امر اقتصادی-عبادی در اسلام از مکانت و وزانت خاصی برخوردار است. دولت اسلامی موظف است برای گردآوری و توزیع آن که سهم و حق مسلم نیازمندان و محرومان جامعه در اموال ثروتمندان است، اصول و مقررات حاکم بر آن را در نظر گرفته و به آن پایبند باشد. حفظ حرمت و شخصیت افراد و خانواده‌ها و رفتار نیک و اخلاق مدارانه با مردم هنگام مواجهه‌ای با آن‌ها، از سفارش‌های مهم این وصیت‌نامه است. این سفارش در بعد سیاست و اقتصاد قابلیت اجرا دارد و از دولتمردان دولت و نظام اسلامی، عمل درست به آن مورد انتظار است. نکته‌ای دیگر که از مباحث جدید و به‌روز جهان معاصر است، تأکید بر رعایت حقوق حیوانات است. جهان مدرن و پسامدرن امروز سخت تلاش می‌کند، بحث حقوق انسان و حیوان را از دستاوردهای فرهنگ مدرن غرب و جهان لیبرال-سکولار نشان دهد که صورت سکولاریستی و دنیوی دارد؛ اما این

اصول و مقررات حاکم بر رفتار مأموران اقتصادی دولت در اسلام ۲۵

سفارش‌نامه امام نشان می‌دهد که اسلام در مسئله حقوق حیوانات، اولاً بر رویکردی الهیاتی و دینی تأکید کرده و از این نگرش جانبداری می‌کند، ثانیاً در این موضوع، نسبت به فرهنگ غرب پیشگام و از فضل تقدم برخوردار است. ثالثاً در مسئله آزادی اقتصادی، برخلاف سرمایه‌داری غرب و سوسیالیسم شرق، مسیر اعتدال را پیموده است؛ گفتمان آزادی اقتصادی و حق تملک فردی و جمعی با دخالت و کنترل نظام و حکومت اسلامی.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، (۱۳۸۰) ترجمه، محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ اول.
- ۱. ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۳۰ ق) شرح نهج البلاغه، الجزء الخامس عشر، بیروت-لبنان: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، ج ۱۴، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
- ۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق) المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، داودی صفوان عدنان، دمشق، بیروت: دارالعلم، الدار الشامیة، چاپ اول.
- ۴. رجایی، سید کاظم، (۱۳۷۴) آزادی اقتصادی یا دخالت دولت، معرفت، (ماهنامه) قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شماره ۱۴، پائیز ۱۳۷۴.
- ۵. رشاد، علی‌اکبر و همکاران، (۱۳۸۲) دانشنامه امام علی، جلد هفتم (اقتصاد)، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- ۶. صالح، صبحی، (۱۳۷۰) فرهنگ نهج البلاغه، ترجمه، مصطفی رحیمی‌نیا، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ اول.

۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱) مجموعه آثار، جلد ۱۶، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجم.

۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا و دانشمندان، (۱۳۸۷) پیام امام امیرالمؤمنین (ع): شرحی تازه و جامعی بر نهج البلاغه، جلد ۹، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب، چاپ اول.